



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علوم اسلامی

پژوهش‌های بنیادین فرهنگ عمومی

تأملی بر راز کاوی

نقد و بررسی راز کاوی ادبیات کودک و نوجوان (تحلیل محتوایی کتاب کودک)

دکتر اصغر اسمعیلی تازه کندی

عضو هیئت علمی بنیاد دانشنامه نگاری

این اثر در دو بخش تدوین شده است: پاره‌ی نخست به کلیاتی درباره‌ی ادبیات کودک و نوجوان پرداخته و با ارایه‌ی تعریفی از آن، اهداف، علل و ضرورت توجه به ادبیات کودک، انواع ادبیات کودک، انواع داستان کودک و همچنین شعر و مباحثی درباره‌ی آن آمده و بحث مفصلی با عنوان تاریخچه‌ی ادبیات کودک و نوجوان در اثر گنجانده شده است.

می‌توان گفت قسمت نخست مروری کلی بر این نوع از ادبیات است، اما پاره‌ی دوم که در واقع قسمت اصلی پژوهش محسوب می‌شود، تحلیل آثار ۱۴ تن از شاعران و نویسندگان ادبیات کودک ایران را دربرمی‌گیرد.

هر دو بخش کتاب واجد ارزش‌های پژوهشی و نکات مهمی است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به بررسی عمیق آثار شاعران و نویسندگان (در پاره‌ی دوم کتاب)، پیراستگی نسبی اثر و استفاده از منابع متعدد (۲۰۷ کتاب، ۵۱ مقاله و ۱۵۴ اثر بررسی شده) اشاره کرد. از دیگر مزایای قابل توجه اثر، مقدمه‌ی سنجیده و علمی استاد قدمعلی سرامی است که در آن با اشاره به اهمیت پژوهش برای کودکان، به توانایی‌های تحلیل‌گر ادبیات کودک از جمله بهره‌مندی از ذوق و استعداد، خلاقیت، شناخت روان‌شناسی مخاطبان، توانایی تجزیه‌ی آثار به عناصر متشکله و درآوردن آن‌ها به کلی منسجم پرداخته است. (محمدیگی، ۱۳۸۹: ۱۴)

در این مقدمه همچنین به دریافت غیر مستقیم پیام‌های متن از مفاصل داستان‌ها اشاره شده؛ بدون آنکه حتماً از واژه‌ها و جمله‌های مندرج نیز استفاده شود و این مسئله در تحلیل باید مورد توجه قرار گیرد.

در مطالعه و بررسی کتاب، نکات زیر شایسته‌ی تأمل است که در دو بخش تأملاتی در محتوای اثر و نکات ویرایشی آورده می‌شود:

الف- تأملاتی در محتوای اثر

۱. در تحلیل آثار شاعران و نویسندگان ادبیات کودک، ۱۴ شاعر و نویسنده برای پژوهش انتخاب و محدوده‌ی زمانی مشخص شده برای آن ذکر شده، ولی ملاک و معیار انتخاب این شاعران و نویسندگان معلوم نیست؛ زیرا در این محدوده‌ی زمانی شاعران دیگری مانند عباس یمینی شریف و یا نویسندگان مبدعی چون فریبا کلهر نیز آثاری قابل بررسی منتشر کرده‌اند.

۲. در صفحه‌ی ۱۱ راز کاوی ادبیات کودک و نوجوان، تحلیل محتوا، فعالیت اصلی پژوهشگر در پاره‌ی دوم کتاب عنوان شده، اما روش تحلیل (برای مثال تحلیل کمی، آماری یا روش‌های دیگر) مشخص نشده و همین ابهام در مواردی پژوهش را از اهداف اصلی خود دور کرده و در قسمت‌هایی از جمله صفحات ۲۹۳، ۳۸۲ و ۳۹۸ به معرفی آثار و بررسی محتوای آن‌ها اکتفا شده است. مؤلف با توجه به مقوله‌بندی در تحلیل محتوا (یمینی‌دوزی سرخابی، ۱۳۷۴: ۱۸۱ و ۱۸۲) می‌توانست مطالب پراکنده‌ی ذیل هر تحلیل را منسجم‌تر عرضه کند؛ برای مثال در مرد آثار محمود کیانوش این مقوله‌بندی می‌توانست به شکل زیر باشد:

الف. تحلیل نگرش به پدر و مادر - والدین - که به صورت پراکنده نگرش به پدر در صفحه‌ی ۲۰۵ و نگاه به مادر در صفحه‌ی ۲۰۳ و همچنین ۲۰۷ آمده است.

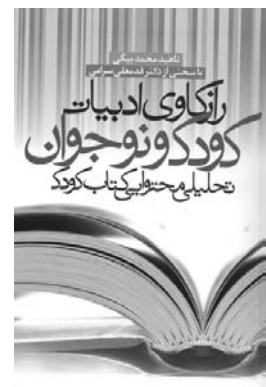
ب. نگاه به اشیای پیرامون که در صفحات ۱۹۷ و ۱۹۸ آمده است.

ج. نگاه به حیوانات در صفحه‌ی ۲۰۴

د. طبیعت که در صفحات مختلف تحلیل شده که اگر در ذیل یک مقوله گنجانده می‌شد، ضمن انسجام‌بخشی به مطلب، خواننده را نیز در راحت‌تر خواندن اثر یاری می‌داد.

۳. هدف اصلی پژوهش تحلیل محتوا بوده، اما در برخی موارد نکاتی درباره‌ی ساختار اشعار یا داستان‌ها دیده می‌شود؛ برای مثال در صفحه‌ی ۲۰۴ از قالب شعر کیانوش - چهارپاره - سخن به میان آمده یا در برخی بخش‌ها از تشبیهات و قافیه (ص ۲۸۴ و ۲۸۵) بحث شده است که در تحلیل محتوا جایگاهی ندارند و شایسته بود در بخش جداگانه‌ای مطرح می‌شدند.

۴. ارتباط منطقی میان پاره‌ی نخست و دوم اثر نیز مشخص نیست و در قسمت اول انواع ادبیات کودک بررسی شده، اما در قسمت دوم تأکید بر شعر و داستان است؛ نکته‌ی دیگر اینکه با توجه به اینکه مخاطبان اثر، پژوهشگران و فعالان ادبیات کودک و نوجوان هستند، ضرورت آوردن پاره‌ی نخست (مبانی و تاریخچه ادبیات کودک و نوجوان) روشن نیست، زیرا استادان ادب کودک از این مبانی نظری آگاه‌اند و نیازی به تکرار آن‌ها نیست و مؤلف محترم می‌توانست با مختصر کردن این فصل، به نویسندگان و شاعران بیشتری در پاره‌ی دوم کتاب بپردازد.



عنوان کتاب: راز کاوی ادبیات
کودک و نوجوان (تحلیل محتوایی
کتاب کودک)

نویسنده: ناهید محمدیگی
ناشر: تهران؛ انتشارات ترفند و
ابهر؛ انتشارات سی برگ
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹
تعداد صفحات: ۴۶۴ صفحه

۵. گاه در برخی تحلیل‌ها، قطب‌های تحلیل (فرستنده، گیرنده‌ی پیام و پیام) نادیده انگاشته شده است؛ برای مثال در صفحه‌ی ۲۶۶ مهم‌ترین موضوعات شعری جعفر ابراهیمی (شاهد) را روستا دانسته، اما به این مسئله که تولد او در روستا و گذران نخستین سال‌های زندگی‌اش در آنجا موجب انعکاس این مضمون در اشعار او شده است، اشاره نکرده است؛ البته در برخی قسمت‌ها مانند تحلیل آثار صمد بهرنگی و محمود کیانوش به برخی از این ارتباطات توجه شده است؛ از جمله اینکه در جایی به محبت بروز نیافته‌ی کیانوش به پدرش در کودکی اشاره می‌کند که در بزرگسالی، متجلی شده است. (محمدیگی، ۱۳۸۹: ۲۰۵)

۶. مؤلف در صفحه‌ی ۱۰ اشاره کرده که «برای انجام این پژوهش در درجه‌ی اول به مرور کل منابع، اقدام گردید و روشی که برگزیدیم، روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا بود...» و تأکید کرده که از روش کتابخانه‌ای استفاده کرده، اما در همان پاراگراف، سخن خود را نقض کرده و از مصاحبه‌هایی سخن به میان آورده که با پیشکسوتان ادبیات کودک از جمله توران میرهادی، قدمعلی سرامی و جعفر ابراهیمی انجام داده است و همین طور ارجاع به این مصاحبه‌ها در صفحات ۱۲۷ (مصاحبه با خانم میرهادی) و ۱۲۹ (مصاحبه با قدمعلی سرامی) دیده می‌شود یا در صفحه‌ی ۱۲ اشاره کرده که از دکتر تورج عقذایی، دکتر جواد طاهری، مصطفی رحماندوست و بسیاری دیگر که نامشان در همان صفحه آمده خوشه‌ها برچیده است و این نوع بهره‌مندی از آنان را که شاید همان مصاحبه است، ذکر نکرده است.

۷. نویسنده‌ی محترم در سرسخن (ص ۷) آورده که «محبوب‌ترین نویسنده‌ی من صمد بهرنگی بود که...» ضرورت بیان این علاقه در مقدمه‌ی اثر مشخص نیست و ممکن است خواننده را به این نتیجه رهنمون کند که شاید این علاقه در داوری نویسنده نسبت به صمد بهرنگی تأثیر گذاشته باشد.

۸. اصل این کتاب بر تحلیل محتوا بنیان نهاده شده که حتی در عنوان فرعی اثر نیز مشهود است و با توجه به این مسئله بهتر بود در این باره بیشتر توضیح داده می‌شد و فقط به تعریف کوتاهی از آن در صفحه‌ی ۱۱ بسنده نمی‌شد؛ این تعریف از (هولستی، ۱۳۷۳: ۵) نقل شده که در منابع (کتاب‌ها و مقاله‌های) این منبع دیده نمی‌شود.

۹. پژوهشگر محترم در صفحه‌ی ۹ (پیشینه پژوهش) آورده که پژوهش‌های زیادی (در این موضوع) به انجام نرسیده و اثری در این باره نیافته است، اما در بند پس از آن به تحلیل دکتر شکوه نوبی‌نژاد بر کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان اشاره کرده است (محمدیگی، ۱۳۸۹: ۹) که نوعی تناقض محسوب می‌شود و بهتر بود به جای ذکر کلی پایان‌نامه‌ها به رسم معمول فهرستی از پژوهش‌های انجام شده با ذکر نقاط قوت و ضعف آن‌ها می‌آورد تا ضرورت این پژوهش روشن‌تر شود، گرچه در لابه‌لای اثر، از این منابع به وفور دیده می‌شود.

ب- برخی نکته‌های ویرایشی کتاب

متن تا حد زیادی از غلط‌های تایپی پیراسته است، اما برخی اشکالات نگارشی و ویرایشی در آن به چشم می‌خورد:

۱. در مواجهه با جلد کتاب و صفحه‌ی عنوان آن ناهماهنگی دیده می‌شود؛ عنوان فرعی اثر در صفحه‌ی عنوان به درستی «تحلیل محتوایی کتاب کودک» آمده، اما در جلد «تحلیلی محتوایی کتاب کودک».

۲. در صفحه‌ی ۲۳۳ (زندگی‌نامه‌ی مصطفی رحماندوست) روال منطقی و ترتیب زمانی وقایع زندگی او رعایت نشده است، به این صورت که ابتدا این جمله آمده: «از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ مدیر امور مجامع و روابط فرهنگی بوده» و پس از آن آمده: «عضو هیئت مؤسس دفتر هنر و ادب کودک و نوجوان در ۱۳۵۶».

۳. در سراسر کتاب و به خصوص منابع، برای مشخص کردن کتاب‌ها، مجلات و به طور کلی آثار، از قلم ایرانیک استفاده نشده است، برای مثال در صفحات ۳۷۷، ۳۲۴، ۲۰۶ و صفحات متعدد دیگر. حتی در مواردی نام آثار داخل گیومه آمده که صحیح نیست و با توجه به فراوانی چشمگیر نام آثار در این کتاب، این اشکال صوری بیشتر به چشم می‌آید.

۴. در پیوست‌های اثر، اصطلاحات توضیح داده شده‌اند که برای خواننده بسیار مفید است، اما این کتاب با اعلام فراوان، قطعاً به فهرست‌ها و نمایه‌های متعدد دیگری مانند فهرست نام‌ها، فهرست آثار، فهرست مکان‌ها و حتی فهرست اشعار نیاز دارد تا پژوهشگر و مراجع را در دستیابی سهل به مطالب یاری دهد.

۵. کتاب‌نما اصطلاحی است که مؤلف محترم برای فهرست منابع و همچنین آثار بررسی شده و به جای کتاب‌نامه انتخاب کرده‌اند، که در علم کتابداری کتاب‌نما معرفی و نقد آثار فاخر فرهنگی و ادبی را دربرمی‌گیرد و معادل انگلیسی آن (book review bibliography) است. نکته‌ی دیگر اینکه ضرورت تفکیک آثار بررسی شده از منابع روشن نیست، همان موارد هم می‌تواند جزو منابع به شمار آید.

۶. به برخی اشکالات ویرایشی دیگر نیز اشاره می‌شود:

الف. کاربرد نادرست حرف اضافه در ص ۲۸۲: «محمود کیانوش درباره‌ی به کارگیری از...»

ب. به کار بردن **بی تفاوت** به جای **بی اعتنا** در ص ۲۶۹: «چه بسا کرم خاکی موجود بی‌ارزشی نیست که بتوان **بی تفاوت** از کنارش گذشت».

ج. معلوم نبودن انتهای نقل قول در ص ۳۶۸ پاراگراف آخر.

د. در ص ۴۳۷ عنوان صحیح اثر افلاطون **جمهور** است نه **جمهوریت**.

منابع:

۱. باردن، لورنس، **تحلیل محتوا**، ترجمه‌ی محمد یمینی‌دوزی سرخابی و ملیحه آشتیانی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.